

عملیات انتقام

کمین هوایی متبحرانه‌ای که سرنوشت جنگ جهانی دوم را تغییر داد

تالیف:

دن همپتون

ترجمه:

حمیدرضا آزادی



پاییز ۱۴۰۰

سرشناسه: همپتون، دن Hampton, Dan

عنوان و نام پدیدآور: عملیات انتقام - کمین هوایی متبحرانه‌ای که سرنوشت جنگ جهانی دوم را تغییر داد/ مولف دن همپتون
مشخصات نشر: تهران، هوانورد، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۰-۳۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

Operation Vengeance : the astonishing aerial ambush that changed World War II, 2021. ©2020.

عنوان دیگر: کمین هوایی متبحرانه‌ای که سرنوشت جنگ جهانی دوم را تغییر داد.

موضوع: باماموتو، ایزورو کو، ۱۸۸۴-۱۹۴۳ م. - ترور

موضوع: Assassination Yamamoto, Isoroku, 1884-1943

موضوع: عملیات انتقام، ۱۹۴۳ م. Operation Vengeance, 1943

ترور - ایالات متحده - جنبه‌های سیاسی Assassination -- Political aspects -- United States

شناسه افزوده: آزادی، حمیدرضا، ۱۳۶۷، مترجم

رده بندی کنگره: DS ۸۹۰

رده بندی دیویی: ۹۴۰ / ۵۴۵۹۵۲۰۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۵۸۱۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



عملیات انتقام - کمین هوایی متبحرانه‌ای که سرنوشت جنگ جهانی دوم را تغییر داد

مولف: دن همپتون	■	مترجم: حمیدرضا آزادی	■	طراحی جلد: مهرنوش همتایی
ناشر: هوانورد	■	نوبت چاپ: اول	■	سال چاپ: ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰	■	قیمت: ۹۵۰۰۰۰ ریال	■	شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۰-۳۰-۲

📍 نشانی: تهران، نارمک، جنب متروی فدک، مجتمع تجاری اداری پالمیرا، طبقه پنجم، واحد ۵۰۷

☎ تلفن دفتر نشر: ۷۷۸۵۰۲۵۹ وبگاه فروش اینترنتی: www.aeroshop.ir

📧 واتساپ پشتیبانی: ۰۹۹۳۲۵۷۵۱۹۴ اینستاگرام نشر هوانورد: [aeroshop_ir](https://www.instagram.com/aeroshop_ir)

© کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر به هر صورت بدون اجازه ناشر ممنوع است.

پیشگفتار مترجم

نسل انسان، موجودی که با دو پای خود سراسر این کره خاکی را در نور دیده و آن را مأمن زندگی خود کرده است، از هزاران سال پیش با این استدلال که با تصاحب قلمروی وسیع‌تر، منابع زیستی بیشتری در اختیار خواهد داشت، شعله سوزان تمامیت‌خواهی خود را روشن‌تر از قبل می‌کرد و از آنجاکه این منابع زیستی، سرچشمه قدرت و اقتدار و نیز هیزم آتش تمامیت‌خواهی محسوب می‌شدند، طمع در اختیار داشتن حجم بیشتر آن‌ها، به انگیزه‌ای برای خون‌ریزی تبدیل شده بود. اگرچه در گذر زمان و در قیاس با اهداف متعالی تمدن‌ها، این رابطه بسیار ابتدایی جلوه کرده است، اما از آغاز پیدایش این کره خاکی تا به امروز «تمامیت‌خواهی» گسترده‌ترین عامل به راه انداختن نزاع‌های فردی و اجتماعی بوده است.

در عصر حاضر این طمع قدیمی، وقتی که ریشه قدرت را در کسب منابع انرژی یافت، با تغییر چهره، آتش تمامیت‌خواهی را به جان ملت‌ها انداخت و به این ترتیب به مهم‌ترین دلیل استعمار و کشورگشایی تمدن‌ها و دولت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر تبدیل شد. در واقع در اعصار مختلف، منابع زیستی، قلمرو، انرژی و تکنولوژی که انگیزه‌های این تمامیت‌خواهی‌ها هستند فقط جای خود را به دیگری داده‌اند. چه بسا این سوار خونخواه در آینده نیز با یافتن انگیزه‌های جدید، همچنان سوار بر اسب ویرانی خود که سُم در خون می‌زند، افسارگسیخته‌تر بتازد.

حال با این دیدگاه به این نقطه نظر می‌رسیم که مقاومت ملت‌ها در برابر همین تمامیت‌خواهی‌ها، نتیجه‌ای جز جنگ در پی ندارد. جنگ‌هایی که از دیرباز با پرچم آرمان و در واقع با همان سودای سیطره بر ملل دیگر روی می‌داده‌اند و با القای افکار و فرهنگ استعماری از جانب ملت غالب به ملت مغلوب، زمینه استمرار وابستگی جامعه فتح شده را برای سال‌های متمادی فراهم می‌کرده‌اند. از همین رو میل به جنگ و انتقام از پس جنگی دیگر عطشی بوده که طی سال‌ها در عین ارتقای زیرساخت‌های فرهنگ و تمدن و حتی بالاتر رفتن آرمان‌های انسانی، با هیچ خونی سیراب نشده است. جنگ‌هایی که هرکدام لکه ننگی بر چهره این کره خاکی نشانده و روح هر فرد آگاهی را جریحه‌دار کرده است.

به همین ترتیب سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۵ میلادی همچنان که می‌دانید، خاطرات نفرت‌انگیزی را به یادگار گذاشته‌اند که هر شبش، پرده‌ای تاریک‌تر بر چهره انسانیت انداخته است. به بیانی دیگر شعله جنگ جهانی دوم که از زیر خاکستر جنگ خانمان‌سوز اول، دوباره روشن شد و تقریباً تمام کشورها را مستقیم یا غیرمستقیم، دستخوش تحولات بی‌مانندی کرد، نمونه بارزی از خودنمایی همان خوی سیری‌ناپذیر تمامیت‌خواهی است که به‌وسیله آتش انتقام، پیکر انسانیت را در خشونت‌های فراگیر سوزاند و جان بیش از ۸۰ میلیون انسان را قربانی خواسته‌های سران دیکتاتور خود کرد.

همچنان که رانندگان قطار جنگ جهانی دوم، با ظاهرسازی‌های مختلف از جمله انتقام، در عین ناباوری، انکار و سردرگمی سران کشورهای اروپایی، مشغول له کردن آزادی و امنیت در سراسر دنیا بودند؛ امپراتوری تمامیت‌خواه ژاپن، با ادعای به خاک مالیدن پشت ایالات‌متحده آمریکا و انتقام نادیده گرفتن حقوق بین‌المللی رسماً پای آبر غول سرما به‌داری را به میدان‌های نبرد باز کرد و بدین‌سان، جنگ ابعاد جدیدی به خود گرفت و دامنه آن به مرزها و جبهه‌های جدیدی گسترده شد. جبهه‌هایی که آن روزها هیچ‌کس از آینده آن‌ها اطلاع دقیقی نداشت.

درست اینجاست که مردی وطن‌پرست ولی پای‌بسته در زنجیر امیال امپریالیستی ژاپن، باید بین نابودی کشورش یا حتی مرگ، و نشان دادن برق شمشیر به دشمنی جدید که با همه وجودش به برتری آن دشمن اعتقاد داشت، یکی را انتخاب کند. یا فرو ریختن پایه‌های سال‌ها تمدن موطنش را به دست عده‌ای از سیاست‌مداران شاهد باشد و یا به میدان بیاید و هر چه دارد خرج کند تا شاید طرحی نو در افتد. تصمیمی سخت که شاید هیچ‌گاه در صحیح یا ناصحیح بودنش یقین حاصل نکرد. او با شمشیری که به دستش داده شد در زمین آرمان‌هایش جنگید و خود را به یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مهره‌های جنگ جهانی دوم تبدیل کرد. فرمانده‌ای که مردم ژاپن او را همچون سامورایی‌های حافظ ژاپن در برابر هجوم مغولان، می‌ستودند و در مقابل، مردم آمریکا و حتی سایر کشورها برای آتشی که روشن کرده بود و اهدافی که داشت از او متنفر بودند.

ارزیابی چهره حقیقی این تقابلات جز با بررسی ریشه‌ای پیش‌زمینه‌ها و سیر تاریخی حوادث آن دوران، از منظری منصفانه میسر نخواهد بود و این کتاب تلاشی است در شرح همین حوادث و

تصویرسازی واقعی قسمتی از جنگ جهانی دوم که برخلاف اهمیت آن‌ها، در بین ما ایرانیان، کمتر شناخته شده هستند. حوادثی که ریشه در خاک فرهنگ و باور ملل درگیر نبرد دارد و هر کدام نشانه‌ای از عواقب روی‌پزدازی‌های خون‌بار می‌باشد.

عملیات انتقام نام عملیاتی است که در حوزه‌های مختلف هوانوردی، نظامی، سیاسی و تاریخی، مرزهای باور را جابجا کرد و سرنوشتی متفاوت را برای دنیای امروز ما به ارمغان آورد. این عملیات همان‌طور که از هر منظر حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد در طول این سال‌ها با ابهامات و روایات متعدد و به شکلی محدود توصیف شده و به دلیل کمبود اسناد و نبود تحقیقات قابل اثبات، حقایق بسیاری درباره آن تحریف شده است؛ اما به مدد تحقیقاتی که منتج به انتشار متن انگلیسی این کتاب، توسط کاپیتان دن همپتون شده است اکنون روایتی مستند و پاسدار نقش واقعی خلبانان شرکت‌کننده در آن عملیات، در دست می‌باشد. من در این ترجمه تلاش کرده‌ام ضمن حفظ امانت نویسنده، با ذکر توضیحاتی بیشتر به توصیف ابعاد متفاوت این عملیات بسیار مهم و نیز ریشه‌های تاریخی و سیاسی منتهی به آن بپردازم. تا علاوه بر شرح روایت اصلی منبعی مناسب را در اختیار محققین و علاقمندان به این برهه از تاریخ قرار دهم.

در پایان از این فرصت استفاده می‌کنم و بر دستان پدر و مادر عزیزم که در تمام روزهای زندگی مشوق و همراه من بوده‌اند بوسه می‌زنم و همچنین از تمام دوستان مهربانم که در نگارش این اثر مرا از کمک و مشاوره‌های مفیدشان بهره‌مند ساختند، تشکر و قدردانی می‌کنم؛ باشد که این اثر علاوه بر جلب رضایت شما خواننده فهیم، پنجره‌ای تازه به روی برخی از اتفاقاتی که جهان امروز ما را شکل داده است باز نماید.

آری، به درستی باید گفت که «هر ملتی در برابر فرهنگ و باورهایش شکست می‌خورد و نه در نبرد با دشمنانش».

حمیدرضا آزادی

پاییز ۱۴۰۰

مقدمه دن همپتون^۱

زمان در گذر است و طبق گفته مارسل پروست^۲ واقعیت‌ها، آرام‌آرام نمایان می‌گردند. این گفته یقیناً برای خلبان‌هایی که صبح ۱۸ آوریل ۱۹۴۳ در عملیات انتقام^۳ شرکت کردند، صادق بوده است. در خلال سال‌های پس از جنگ جهانی دوم افرادی که از مرگ نجات یافته بودند تنها تلاش می‌کردند که دوباره به جریان زندگی عادی بازگردند و به همین سبب، علاقه‌ای اندک برای یادآوری و سیر در خاطرات دردناک گذشته و حوادثی که گاه ممکن بود به روشنی ثبت شده باشند، وجود داشت. برای آن‌هایی که بدترین شرایط کشاکش جنگ را تجربه کرده بودند و فکر کردن به آینده برایشان خطرناک‌ترین مشغله میدان نبرد بوده است، به همین دلیل با دغدغه سرنوشت خود و بازماندگان‌شان حتی اگر تمایلی کم هم برای صحبت با مطبوعات برایشان باقی می‌ماند، زمان آن را پیدا نمی‌کردند.

از دیدگاه تاریخی اهمیت مرگ دریاسالار ایزوروکو یاماموتو^۴ حیرت‌انگیز است، اتفاقی که عمر ۷۷ ساله‌ی پرتنش طراح حمله غافلگیرکننده به پرل هاربر^۵ که بهانه‌ای برای ورود ایالات‌متحده آمریکا به جنگ شد را گرفت و جان ده‌ها هزار آمریکایی که هنوز نجات‌یافته بودند را پیشاپیش نجات داد. البته بنا به حدسیات، مرگبارترین رویارویی نظامی نسل بشر را نیز کوتاه کرد. دنیای امروز ما با اطمینان، دنیای کاملاً متفاوتی می‌بود اگر سرنوشت جنگ به نفع آمریکا تمام نشده بود.

قسمت زیادی از این کتاب به یکی از خارق‌العاده‌ترین خلبانان جنگنده ایالات‌متحده تعلق دارد؛ اما مورد تقدیر قرار گرفتن کاپیتان تام لنفیر^۶ و ستوان رِکس باربر^۷ مشترکاً برای موفقیت در این عملیات، شروع اختلافات تلخ زیادی در بین طرفدارانشان بود. کاپیتان لنفیر به‌طور مشخص

¹ Dan Hampton

² Marcel Proust (10 July 1871 – 18 November 1922)

نویسنده و مقاله‌نویس فرانسوی بود. او به دلیل نگارش اثر عظیمش با عنوان «در جستجوی زمان از دست‌رفته»، یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ ادبیات جهان قلمداد می‌شود. پروست متفکری روشن‌فکر و از مدافعان حق همجنسگرایی در سال‌های ۱۸۹۰ محسوب می‌شود.

³ Operation Vengeance

⁴ Admiral Isoroku Yamamoto

⁵ Pearl Harbor

بندر معروف آمریکا که در مجمع‌الجزایر هاوایی و جزیره هانولولو واقع است و در زمان جنگ جهانی دوم پایگاه اصلی نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام محسوب می‌شده است. در فارسی گاهی ترجمه نام این بندر یعنی «بندر مروارید» را استفاده می‌نمایند، اما در این کتاب از همان واژه اصلی استفاده می‌شود.

⁶ Captain Tom Lanohier

⁷ Lieutenant Rex Barber

وجدی از اقدامات خود دفاع کرد زیرا جاه‌طلبی‌های سیاسی وی پس از جنگ بنابراین ادعا که او به‌تنهایی منفورترین مرد آمریکا را نابود کرده است، پایه‌گذاری شده بود. متأسفانه تمایل به خلاصه‌نویسی و ارجح دانستن هر چیزی به‌جز ماندگار کردن اسناد و گزارش‌های نظامی این عملیات، توسط افرادی که در آن زمان این وظیفه را بر عهده داشته‌اند دست من را در بیان و تفسیر بعضی از زمان‌بندی‌ها و مسیرهای پروازی و نام اشخاص تنگ کرد، از این‌رو تشخیص اطلاعات صحیح در سال‌های طولانی پس از جنگ کاری بس دشوار بود. باین‌حال افرادی که در این عملیات باهم شریک بوده‌اند و یا به‌اصطلاح در صحنه تئاتر اقیانوس آرام^۱ حاضر بودند، با روح و جسم خود قسم یاد کرده که جز حقیقت چیزی بر پرده تاریخ ننگارند و چه افسوس که دولت یا ارتش نه‌تنها هیچ علاقه‌ای نسبت به کمک به ایشان نشان نداد بلکه حتی هیچ تمایلی هم برای بازبینی و اصلاح آرشیو خود نداشته است.

متأسفانه نکته‌ای که همانند موارد دیگر در مورد یاماموتو نیز صادق است عدم انطباق حقیقت با واقعیت رسمی موجود است و من بر اساس اطلاعات خام و مصاحبه‌های منتشر نشده با بازماندگان جنگ و تحقیقات، مأموریت را به‌طور مجازی بازسازی کرده و با استفاده از محاسبات ثابت کردم که کدام خلبان توانسته یاماموتو را به قتل برساند و به همین ترتیب هدف من از ورود به این مسئله جز آشکارسازی حقیقت و پرده‌برداری از این بازه نسبتاً تاریک تاریخ جنگ، نبوده است.

امید دارم خلبانانی که بیشترین خطر را متحمل گشته‌اند تا جنگ بر فراز اقیانوس آرام به کوتاه‌ترین زمان خود برسد، به‌درستی به جهانیان معرفی گردند و برای از جان گذشتگی خود، درخور، محترم شمرده شوند. شاید سوفوکلس^۲ به‌درستی گفته باشد که (قدرت بی‌اندازه و عجیب زمان همه‌چیز را به تحرک وامی‌دارد و هیچ نکته مخفی در تاریکی باقی نمی‌گذارد)

دَن هَمپتون - ویل کُلرادو^۳

^۱ Pacific Theater

در خلال جنگ جهانی دوم ایالات‌متحده آمریکا در جبهه‌های متفاوتی درگیر جنگ بود، این جبهه‌ها را به‌اصطلاح Theater به معنای صحنه جنگ می‌نامند. به همین دلیل جنگ در اقیانوس آرام جنوبی را جدال در Pacific Theater می‌نامند.

^۲ Sophocles

یکی از سه تراژدی‌نویس یونان باستان است که نمایشنامه‌هایش همچنان باقی‌مانده‌اند. از آکس، آنتیگونه، زنان تراخیس، ادیپ شهریار، فیلوکتیس و ادیپ در کلنوس از آثار وی هستند.

^۳ Vail-Colorado

مقدمه فرزند و نوه رکس باربر

چگونه می‌توان حق مطلب را در مورد شخصی که پدر یا پدربزرگ شما بوده و نقش بزرگی در تغییر جهان داشته است، ادا کرد؟

رکس باربر یک بچه روستایی اهل کولور^۱ بود که داوطلب خدمت سربازی شد و عملیاتی به سرانجام رساند، فراتر از کاری که هرکسی می‌توانسته انجام دهد.

آن مأموریت کاملاً شبیه به یک خودکشی بوده و من گاهی متعجب می‌شوم از ذهن او چه چیزی عبور کرده که باعث شد هواپیمای P-38 خود را با یک شیرجه به نبرد بمب‌افکنی که با شش هواپیماهای زیرو^۲ اسکورت می‌شد ببرد.

زمانی که رکس با هواپیمایش از روی سر بمب‌افکن آتش گرفته عبور می‌کرد سه فروند زیرو از پشت سر ۵۲ گلوله درون بدنه هواپیمایش جای دادند و اطمینان دارم فقط یک حماقت می‌تواند او را در این شرایط به جنگ وادارد. با این اوصاف من باور دارم او کاملاً به آموزش، مهارت‌ها و دعای مادرش ایمان داشته است.

نقطه آغاز عشق رکس به پرواز، روایت‌هایی در آسمان فرانسه بود که عمویش از گنجینه‌ی خاطرات جنگ قبل، برایش بازگو می‌کرد. داستان‌هایی که بازگو می‌شد دانه‌هایی در ذهن پسر بچه می‌کاشت که حتی باعث شد با یک چتر دست‌ساز از بالای خانه پایین بیرد و دستش بشکنند، اما این شروعی ناموفق برای یک مأموریت موفق و بی‌نظیر بود.

تاریخ پر از اتفاقات عجیب و درهم تنیده است چراکه با وجود تنفر شدید آمریکایی‌ها از یاماموتو و یا حتی کل ژاپن بعد از آن حمله معروف به پرل هاربر، در زمانی که رکس رشد می‌یافت، یک دوست و همکلاسی ژاپنی آمریکایی به نام دکتر آکیاما داشت. کسی که سال ۱۹۴۰، زمانی که باهم در رودخانه مشغول ماهیگیری بودند و در اثر یک حادثه کمرش شکست، رکس نجاتش داد و تمام تلاشش را برای کمک به او به کار گرفت و سه سال بعد که دکتر آکیاما و خانواده‌اش

¹ Culver

شهری کوچک در اورگان آمریکا

² Mitsubishi A6M "Zero"

یک جنگنده استراتژیک ساخت شرکت میتسوبیشی ژاپن که از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ تولید می‌شده است. این هواپیما غالباً با موتورهای پیستونی ساده و بعداً توربوشارژر دار و در سری‌های مختلف مجموعاً حدود ۱۱۰۰۰ فروند ساخته شد.

در جزیره‌ای در اقیانوس آرام جنوبی مشغول کارآموزی بودند، رکس از بالای همان جزیره به جنگل‌های پر از دودش نگاه می‌کرد. شاید همین تقابل برای یاماموتو پیش آمده یا می‌آمد، کسی نمی‌داند. آن‌ها هر دو می‌توانستند با هم دوست باشند و علایق مشترک داشته باشند یا شاید هم داشتند و حتی مثل هم حرفه‌ای پوکر بازی کنند یا شرط‌بندی کنند. در نهایت من باور دارم که هر دو یک میهن‌پرست بودند.

در هر حال اگر این قدر خوش‌شانس می‌بودید که در سن پنج سالگی، در حالی که روی پاهای رکس نشسته‌اید این داستان دست اول را از زبان خودش بشنوید یا حتی اگر هم اکنون در حال خواندنش هستید، باور داشته باشید که او را اگر ژنرال، فرمانده، دوست یا قهرمان، یا با هر نام دیگری خطاب کنید، به درستی از پرافتخارترین‌های نسل خود بوده است.

متشکرم پدر، متشکرم پدر بزرگ.

فهرست مطالب

سرآغاز داستان ۱۷

فصل ۱ ۳۲

قسمت اول: دیگ بزرگ ۳۳

قسمت دوم: سپیده دم ۵۴

قسمت سوم: ثابت قدم تا انتها ۷۰

قسمت چهارم: تنگنا ۸۹

قسمت پنجم: جای پای آمریکایی‌ها ۱۰۳

فصل ۲ ۱۱۱

قسمت ششم: شانسی دیگر برای زندگی ۱۱۲

قسمت هفتم: شجاعت با شکوه ۱۳۰

قسمت هشتم: به هر قیمتی که شده ۱۵۳

فصل ۳ ۱۷۳

قسمت نهم: کوسه‌ها و دلفین‌ها ۱۷۴

قسمت دهم: سامورایی هشت انگشت ۱۹۶

قسمت یازدهم: انتقام ۲۱۹

قسمت دوازدهم: دومینو ۲۴۲

منابع مطالعاتی ۲۵۹

تصاویر ۲۶۷

سرآغاز داستان

۱۸ آوریل ۱۹۴۳، اقیانوس آرام جنوبی

یک قطره عرق از صورت خلبان هواپیمای جنگنده به پایین لغزید و هرچه سرعت افزایش پیدا می‌کرد نور تابیده شده به‌صورت، بیشتر فاصله‌گونه تا چانه‌اش را شخم می‌زد. وقتی کشش جاذبه بر قطره غلبه کرد، به آرامی روی قسمت آبی‌رنگ نقشه‌ای که روی پایش باز شده بود و دریای سالامون^۱ نام داشت، غلتید.

با وجود اینکه هنوز ساعت به هفت صبح نرسیده بود و آفتاب بالا نیامده بود، هواپیما و خلبانش وارد یک توده هوای گرم و مرطوب شده بودند که سطح فلزی کابین خلبان^۲ و اهرم کنترل^۳ هواپیما را کاملاً خیس کرده بود. چرم پر از ترک و وصله شده پشتی صندلی، ماه‌ها پیش لطافت خود را ازدست داده بود و حال بوی بد کپک و نم جنگل‌های مرطوب پردرخت می‌داد. همه‌چیز بوی منزجرکننده داشت، بوی دود مخلوط شده با بوی سبزیجات فاسد، بوی فلز بدنه هواپیما و حتی گاهی کمی از بوی چاه دستشویی. البته شرایط خیلی بهتر از چهار ماه قبل، یا دقیق‌تر بگویم، ۳ ماه و ۲۸ روز قبل بود که ستوان رِکس باربر وارد جزیره شده بود و بوی متعفن گوشت مرده‌ها و پوست و موی سوخته سراسر جزیره را فراگرفته بود.

با وجود اینکه مردم محلی به این محل ایزاتابو^۴ می‌گفتند و در تعداد محدودی نقشه، «گوآدال کانال»^۵ نام‌گذاری شده بود اما دانشکده ارتش آمریکا آن را «چاله کثافت»^۱ یا گاهی ملایم‌تر، «کانال» خطاب می‌کرد.

¹ Solomon Sea

قسمت جنوب غربی اقیانوس آرام که بین جزایر گینه‌نو و سالامون قرار دارد. مساحت کل دریای سلیمان ۷۲۰۰۰۰۰ کیلومترمربع است و مجمع‌الجزایر لوئیزیاد، نیو جورجیا و گوآدال کانال در آن واقع شده‌اند. این دریا به آب‌های دریای کورال در جنوب، دریای بیسمارک در شمال غربی و اقیانوس آرام در شمال شرقی خود راه دارد.

² Cockpit

³ Control Wheel

یکی از ابزارهای قدیمی برای کنترل مانور هواپیما حول محور طولی و عرضی که شبیه به یوک Yoke می‌باشد ولی امروز هم دیگر کاربردی ندارد و بجای آن از یوک Yoke یا استیک Stick استفاده می‌شود.

⁴ Isatabu

⁵ Guadalcanal

گوآدال کانال (نام بومی: Isatabu) جزیره اصلی در استان گوآدال کانال در جزایر سالامون است که در جنوب غرب اقیانوس آرام، شمال شرق استرالیا واقع شده است. این جزیره از نظر مساحت بزرگ‌ترین جزیره در جزایر سالامون و از نظر جمعیت (بعد از مالائتا) دومین جزیره است. این جزیره عمدتاً پوشیده از جنگل‌های متراکم گرمسیری و دارای فضای داخلی کوهستانی است. در طول سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۳، این محل کمپین گوآدال کانال نام داشت و شاهد درگیری‌های شدید بین نیروهای ژاپنی و آمریکایی بود. آمریکایی‌ها در نهایت پیروز شدند و جزیره را پس گرفتند. در پایان جنگ جهانی دوم، هونیارا، در ساحل شمالی گوآدال کانال، پایتخت جدید جزایر سالامون شد.

یکشنبه، عید پاک^۲ سال ۱۹۴۳ بود اما رکس و نصف هم‌زمانش در شرایطی اینجا مانده بودند که جدا از هرگونه عقیده مذهبی و با نگرانی عمیق به این جزیره، پاهای خود را روی پدال‌های هواپیما بفشارند.

خلبان کمر خود را از روی صندلی بلند کرد و با کشیدن اهرم کوچک تنظیم صندلی، صندلی خود را کمی بالاتر برد و هم‌زمان با نگاه کردن به بال و دم هواپیما، سطوح کنترلی هواپیما^۳ را حرکت داد و پس از اطمینان از عملکرد خوب فرامین، کمربندهای ایمنی خود را به‌آسانی بست و سپس حلقه‌های نگهدارنده کمر بند را به دور پاهای خود متصل و نهایتاً قفل کرد. پس از نگاهی گذرا به کلیدها و مطمئن شدن از خاموش بودن اتصال باتری و کلید اصلی سیستم الکتریک^۴، اهرم قدرت موتور (تِرَاتِل)^۵ را چند اینچ^۶ به جلو هل داد تا همه‌چیز آماده روشن کردن موتورها شود.

روز مهمی بود، عملیاتی به‌قدری حساس که هیچ‌ان آن دیگر وقتی برای یافتن دکمه موردنظر باقی نمی‌گذاشت، برای همین خودش را جوری آماده کرده بود که با چشمان بسته هم می‌توانست فرامین هواپیما را درست انتخاب کند. حساسیت عملیات روی آستانه تحملش هم اثر گذاشته بود و به‌جز اول صبح که قطرات عرق از روی صورت و پشت کمرش سرازیر شده بود دیگر هیچ‌چیز آزارش نمی‌داد و حواسش را پرت نمی‌کرد.

بالفاصله پس از جنگ جهانی دوم، پایتخت جزایر سالامون بریتانیا از محل قبلی خود در Tulagi در جزایر فلوریدا به Honiara در Guadalcanal منتقل شد. در سال ۱۹۵۲ کمیسر عالی برای اقیانوس آرام غربی از فیجی به هونیرا نقل مکان کرد و این پست با فرماندار جزایر سالامون ترکیب شد. پایگاه هوایی که در سال ۱۹۴۲ هدف اصلی نبردها شده بود و به هندرسون معروف بود، اکنون فرودگاه بین‌المللی جزایر سالامون است. این شهر در حدود پنج مایلی شرق هونیرا قرار دارد. پایگاه هوایی فایتر ۲ هم که پایگاه دیگر این جزیره بود در حال حاضر یک زمین گلف محلی است.

¹ Shit-hole

² Easter Day

یکی از عیدهای مهم مسیحیان، عید پاک است که مؤمنان به این دین معتقدند در آن روز عیسی مسیح پس از مرگ بر صلیب، بار دیگر رستاخیز یافته و به زندگی بازگشته است.

³ Flight Control Surface

سطوح متحرک روی بال و دم که با تغییر زاویه، مانور هواپیما حول سه محور اصلی انجام می‌شود.

⁴ Master Switch

کلیدی که برق اصلی ورودی به تمام سیستم‌های ناوبری و الکتریکی را کنترل می‌کند.

⁵ Throttle

اهرم کنترل قدرت موتور که برای هر موتور جداگانه عمل می‌کند.

⁶ Inch

اینچ واحد اندازه‌گیری طول برابر با ۲.۵۴ سانتیمتر است.